

وب سایت استاد موسوی



تاریخ روز : ۲۱ / ۰۲ / ۱۳۹۷

تاریخ ثبت : ۲۹ خرداد ۱۳۹۵

عنوان : جلوه های یار تا ابد ماندنی اند، لاتکرار فی التجلی

«بسمه تعالی»

جلوه های یار تا ابد ماندنی اند، لاتکرار فی التجلی

یکی دیگر از مباحثی که در امر معاد در متن جلد 9 اسفار ملاصدرا مطرح است، مفید و پرفایده هم برای محققان و هم مذهبپون و جامعه شناسان و همروان کاوان است
حضرت صدرا بحث معاد را نباید از یک انسان 30 ساله، 40 ساله، یا 50 ساله مطرح نماییم، بلکه باید به ماده اولش برگردیم. یعنی معاد که می‌خواهد تجسم یابد، باید نطفه اول، علقه اول، مضغه اول، استخوانبندی اول، قبل از حلول روح و بعد از حلول روح (طبق بیان قرآن کریم در سوره مبارکه مؤمنون از آیه 11 الی 16) بررسی گردد. یعنی وقتی که می‌خواهیم از بازگشت انسان بحث کنیم، باید از همان ماده اول بحثمان را شروع کنیم نه از وسط کار.

صورت آن گاه می‌تواند چهره پیدا کند که از ماده مستعد گردد. یعنی تا ماده اولیه که در اصطلاح علمی نامش "اسپریم" و در اصطلاح متن قرآن نامش "نطفه" است، ناپود نشود، صورت بعدی بروز نمی‌کند. تا اسپریم خودش را گم نکند، آن انجماد خون‌ها که در متن مذهب نامش "علقه" است، بروز نمی‌کند. برای روشن شدن بیشتر باید این گونه گفت: صورت‌هایی که ناپود می‌شوند در معاد کجایند؟! این پیکره اشکالی است که مستشکلین وارد و حضرت صدرا در با شیوه‌ای خاص مطرح نموده‌اند اما به هر علت به جواب اشکال نپرداخته‌اند چرا؟ ما ندانیم.

محقق و فیلسوف متأله حضرت استاد موسوی برای تثبیت معاد و رستاخیز در پیکره هر انسان یک رشته زلال زلال زلالی را می‌بینیم در همه این مراحل سرک می‌کشد، یعنی هم در اسپریم و هم در صور بعدی -تا انسان شدن- و آن رشته زلال که موجب ایجاد یک اندام، یک پیکر، و یک چهره می‌شوند، ابداً عوض نمی‌شوند، هستند اما در کجایند؟ در جای خود هستند. هیچ‌گاه عوض نمی‌شوند هر چند صورت‌ها عوض گردند. گو اینکه مستشکل بر آن است که اتم‌های تن کم شدند ولی با این بیان گفته شده چیزی کم نگشته، جایش عوض شده. و برای این که جواب اشکال درست مفهوم شود باید گفت: روز معاد و رستاخیز تمامی عارضه‌های عوض شده که به امانت در جهان پراکنده بودند به عین ذات اولیه رجعت می‌نمایند، زیرا در هستی اولیه که نظر بر آن است به حال خود هستند، و عارضه‌ها عوض می‌شوند به این قانون تثبیت است:

«لا تکرار فی التجلی»

جلوه‌های یار تا ابد ماندنی است. یعنی چون روز معاد شود، نحوه فیض خورشید عوض می‌شود، دریاها خشکیده می‌شوند، کوه‌ها مانند پشم زده شده می‌شوند، جهان غربالی می‌شود، هم اسپریم اول و هم صورت‌های بعدی و هم اتم‌های به عقیده مستشکل گم شده، پیدا می‌شود. این‌ها که در جهان پراکنده‌اند، چنانی که گفته شد- به هسته مرکزی خود که نمود آن و نشانه آن و هستی آن، چهره انسان است، به اصل پیکر هر انسان مشخص رجعت می‌نمایند. به دیگر عبارت طبق آیه‌های قرآن کریم:
«و لتجزی کل نفس بما کسبت» تا هر انسان پاداش آنچه انجام می‌دهد را ببیند.

منبع: از سلسله مباحث تحقیقی فیلسوف متأله استاد سید علی موسوی

